

حساس مذهبی صفر است .

دسته سوم آنهایی هستند که علاوه بر بی اطلاع بودن از تعلیمات مذهبی و طرز تدریس آنها خودشان از نظر اخلاقی فاسد و بی بندوبارند و احتیاج بمریی دینی و اخلاقی دارند و وجود این دودسته در مملکت تعلیمات دینی (مخصوصاً دسته اخیر) کار را بجایهای خطرناکی گشایده است .

بدبختی دیگری که در موضوع بر نامه تعلیمات دینی هست اینست که هماهنگی میان آن وسایر دروس دیگر نیست . مثلاً شاگردان در درس تعلیمات دینی پیدایش اسلام را با عظمت و احترام خاصی میخوانند و بموقیعت ظهور اسلام در آن دنیای تاریک و وحشتزای جاهلیت کمی آشنا میشوند ، ولی هنگامیکه در بخش تاریخ ایران بگسترش اسلام در کشور مامیرسند معلم یا نویسنده کتاب تاریخ آنچنان تعبیرات زنده ای در باره اسلام آوردن ایرانیان تحت عنوان « حمله شوم عرب » ؛ ؛ دارد که جوانان از اسلام و قرآن بکلی دم میکنند ، باین ترتیب بر اثر حس ملت پرستی افراطی و نادانی و بی اطلاعی بعضی از مملکت یا مؤلفان تاریخ پایه های عقاید آنها درباره اسلام لرزان میشود ... اینها همه بدبختیهای است که فرهنگ مملکت ما از نظر تعلیمات اخلاقی و تربیت مذهبی بآن گرفتار است و نتیجه شوم آنرا هم در هرج و مرج اخلاقی جوانان که صفحات حوادث روزنامه ها شاهد گویای آنست مشاهده میکنیم .



اکنون که گفتگو از اصلاح بر نامه های فرهنگی در وزارت فرهنگ در میان است خوب است اولیاء فرهنگ ، در صورتیکه علاقه مند باین آب و خاک و اصلاح اجتماع فعلی هستند ، و اولیاء اطفال و جوانان در صورتیکه خواهان سعادت فرزندان شان میباشند بموضوعات زیر دقیقاً توجه کنند :

۱ - باید بر نامه های تعلیمات دینی زیر نظر هیئت صالحی و بامشورت مقامات روحانی و مخصوصاً زعمای حوزه علمیه قم بتمام معنی اصلاح شود و هیئتی از افراد مطلع فرهنگی و نمایندگان از حوزه علمیه قم مأمور تنظیم این بر نامه ها و بیرون ریختن مسائل زائد و اضافه کردن مسائل لازم بشوند .

۲ - کتابهای خوب و شیرین و دلپذیر با استفاده از اصول تربیتی روانشناسی که اطفال و جوانان بخوانند آنها رغبت کنند زیر نظر افراد مطلع تهیه شود ، سعی شود بانواع وسائل (مخصوصاً بابر نامه های عملی) جوانانرا نسبت بمسائل دینی علاقه مند

سازند و با؛ معتقدات مذهبی آنها را اصول متین و محکمی نهاده شود تا افرادی مؤمن و معتقد و باایمان و زنده دل و بااخلاق بار آیند .

۳- برای تشویق اطفال و جوانان بفرآ گرفتن برنامه‌های دینی از نظر نمره ، و گروه بندی ، و طرز امتحان اهمیت لازم داده شود باین معنی که تعلیمات دینی خود يك گروه مستقل باشد و از ضمیمه کردن آن با علوم اجتماعی و امثال آن بشدت اجتناب گردد و نمره و امتحان آن مانند سایر دروس درجه اول باشد و از هر چه اهمیت تعلیمات دینی را در نظر شاگردان می‌کاهد بکلی پرهیز شود .

۴ - کلاسهای مخصوصی برای تربیت معلمین تعلیمات دینی با مشورت مراکز روحانی تشکیل داده شود و معلمین را بمسائل دینی و طرز تعلیم آنها آشنا سازند و در استخراجه آنها سختگیری زیادتری شود و افرادی که منفور و مطرود مجامع مذهبی هستند و در اجتماع بدنام میباشند طرد کنند ضمناً سعی شود هماهنگی میان درس تعلیمات دینی و سایر دروس بر قرار گردد و معلمین دیگر موظف باشند عملاً پاکی و تقوی و ایمان را بشاگردان بیاموزند .

اگر این پیشنهادات بطور کامل عملی گردد امیدی باصلاح اخلاق جوانان و اطفال هست والا باید منتظر آینده بسیار تار بکتر و وحشتناکتری برای جوانان باشیم .

حقوق برادر دینی

پیغمبر اکرم (ص) فرمودند: «مسلمان را بر مسلمان شش حق است: هر وقت او را ملاقات کرد سلام کند ، تعارف معمولی را بجا بیاورد ، مریض شد بعبادتش برود ، هنگامی که بپیرد برای احترام جنازه او حاضر شود ؛ دعوت کرد اجابت کند ، در غیاب آنچه برای خود می‌پسندد و دوست میدارد برای مسلمانان دیگر نیز همان را دوست بدارد و بخوهد و آنچه را که دوست نمیدارد و نمی‌خواهد برای مسلمانان دیگر نیز آن را نپسندد و روانداند»

عالیترین مفاهیم توحید

گوینده ترین مبارزه اسلام ، مبارزه با شرک بود - نك « تثلیث » داشتن تا چند ؟ -
دوگانه پرستی در ایران قدیم .

درباره توحید و یگانگی ذات خدا در شماره های گذشته سخن بسیار گفتیم و از طریق استدلالات گوناگون عقلی ، و علوم تجربی ، و فطرت ، بیکنامی ذات او آشنا شدیم ، اکنون میخواهیم از دلایل عقلی صرف نظر کرده راه دلایل نقلی را بیابیم .

ولی توجه داشته باشید که نظریه اینست « بایک کرشمه دو کار » انجام دهیم . هم نظر اسلام را درباره توحید و یگانگی ذات خدا دریابیم ، و با تأیید دلایل عقلی و علمی و فطری با دلایل نقلی ایمان سر بعترو قاطعتری باین مسأله پیدا کنیم ؛ و هم از مقایسه کردن توحید خالص و بی شائبه اسلام با سایر مذاهب ، بمظمت و عمق تعلیمات این آئین مقدس آشنا تر شویم .

بك . مطالعه مختصر در اصول و فروع تعلیمات اسلام این حقیقت را بطور و وضوح بر ما ثابت میکند که مسأله « توحید » و احترام اذهر گونه شرك اساسی ترین پایه اسلام است ، و توحیدی که اسلام بمالمان انسانیت عرضه داشت با این عمق و دقت در جهان سابقه نداشت ، اسلام از میان سرزمین مشرکان و بت پرستان سر بر آورد و این حقیقت بزرگ را آنچه نشان که شایسته بود بر ملا ساخت ، و با هر گونه شرك و دوگانه پرستی که در دنیای آنروز کاملاً رواج داشت بمبارزه آشتی ناپذیری برخاست .

پیغمبران بزرگ گذشته با آنچه انان استعداد و لیاقتی داد مردم عصر خود ندیدند که تمام جزئیات مسأله توحید را شرح کنند و لذا این حقیقت را بطور خلاصه برای آنها بیان

کردند ؛ و با آنها بیان کردند ولی افکار کوچک ظرفیت و قدرت حفظ و ضبط آن را نداشت و تعلیمات آنها بدست فراموشی سپرده شد ؛ در هر صورت این امتیاز برای اسلام باقیماند که معلم عالیترین مفاهیم توحید بود .

در اسلام روی مسأله « یگانگی خدا » بقدری تکیه شده که گفتن لا اله الا الله (شهادت یگانگی خدا) یکی از نشانه‌های اسلام آوردن است که بضمیمه گواهی برسالت پیغمبر اسلام (ص) يك دليل كامل بر قبول اسلام خواهد بود .

در قرآن و کلمات پیشوایان دین باصراحت هر چه تمامتر در این باره صحبت شده و هر گونه « شبیه » و « شریک » و « کفو » و « ند » و « مثل و مانند » و همچنین هر گونه اجزاء از ذات مقدس خداوند نفی شده و خداوند بعنوان يك حقیقت واحد ، بسیط از جمیع جهات ، بی نظیر و بی مانند و خالی از هر گونه تمدد ، معرفی شده است .

اسلام بقدری در این زمینه صریح و قاطع سخن گفته که جای کوچکترین ابهامی باقی نگذاشته است و قسمت زیادی از آیات قرآن فقط در این باره بحث میکند .

ضمناً برای اینکه مسلمانان کوچکترین انحرافی از اصل توحید پیدا نکنند و این حقیقت بزرگ را فراموش نمایند و هرگز بشرك نگرايند و حقیقت توحید را آلوده نمانند و جز خداوند یگانه کسی را پرستش نکنند ، تمام عبادات روزانه و غیر روزانه را آنچنان با روح توحید آمیخته که تفکیک میان آن دو امکان پذیر نیست .

اذان نمازهای پنجگانه روزانه که هر روز چندین مرتبه با صدای رسا گفته میشود با توحید شروع و با توحید پایان مییابد . در اثناء نماز کراهِ یگانگی خداوند گواهی میدهیم و او را از هر گونه شریک منزّه می‌داریم .

اعمال حج و احتساب باید با شهادت یگانگی خدا شروع کنیم : (لبیک لا شریک لک) از آغاز تولد در گوش نوزاد باید نغمه توحید و لا اله الا الله بخوانیم و هنگام مرگ هم سعی کنیم این جمله پر معنی بر زبان معترض جاری شود . یعنی آغاز و پایان زندگی مسلمان باید توأم با توحید و اعتراف یگانگی خدا باشد .

اسلام برای اینکه آخرین آثار شرك و بت پرستی را از سرزمینهای اسلامی محو کند از کلیه اموری که ممکن است يك روز بهانه‌ای برای شرك شود جلوگیری بعمل آورده ساختن مساوا تحریم کرده و از نماز خواندن در برابر شعله آتش ، مجسمه ، تصویر ، و در هنگام طلوع و غروب آفتاب ، و خلاصه آنچه کمترین شیاهی بکارهای مشرکین و بت پرستان

و آفتاب و ماه پرستان و آتش پرستان دارد نهی کرده است ، اگر چه نماز گزار ابداً چنان قصدی را نداشته باشد .

قرآن بت پرستی و شرک را نشانه سفاهت و جهالت و بیخبری ؛ و توحید را دلیل عقل و علم میسرمد و کسانی را که بخدایان دو گانه و سه گانه یا بیشتر معتقد بودند جدا سرزنش میکند ما چون با اینگونه تعلیمات خو گرفته ایم نمیتوانیم درک کنیم که اعلام توحید باین صورت در آن روزی که تاریکی شرک سراسر جهان را فرا گرفته بود چقدر جالب و در عین حال چقدر دشوار و پر مشقت بود .

ره بوحدت نیافتن تاکی ؟

فنگ تثلیث داشتن تاچند ؟

امروز بر کسی پوشیده نیست که مسیحیان در مسأله توحید و شرک در بن بست سختی قرار گرفته اند ؛ از یک طرف کتب مذهبی ساختگی آنها مسأله تثلیث و خدایان سه گانه (اب - ان - روح القدس) را عنوان میکنند و انجیل ها «ضرت «عیسی» را یک خداوند تمام عیار معرفی میکنند ؛

مثلا در انجیل «مرقس» از قول عیسی (ع) چنین نقل میکند : «چگونه نویسنده گان میگویند که مسیح فرزند داود است با وجود آنکه خود داود بواسطت روح القدس گفته است بدرستی که خداوند بخداوند من گفته است که بنشین بر دست راست من تا دشمنان تو را در محل اقدامات اندازم . و چون خود داود ، خود او (عیسی) را خداوند خوانده است چنان او فرزند وی باشد » (۱) .

در انجیل دیگر نیز تصریح شده که عیسی فرزند داود نیست بدلیل اینکه خود داود او را خدا خوانده و معنی ندارد فرزند او باشد (در باب اول انجیل «لوقا» آیه ۴۱) و در انجیل «متی» نیز آیاتی راجع به خدای عیسی دیده میشود .

در حال مسیحیان طبق کتب مذهبی ساختگی خود ناچارند روی مسأله تثلیث با فشاری کنند، از مارف دیگر چون خرافی بودن اعتقاد به خدای عیسی با مریم یا روح القدس و خلاصه خدایان متعدد بقدری روشن است که هر آدم با اطلاعی بر آن میخندد ناچار شده اند مسأله «وحدت در تثلیث» را بمیان بیاورند و بگویند خداوند در عین اینکه متعدد است یکی است و در عین یکی بودن سه تا است ؛ ؛ حالا اگر برسید این معنی ابدأ معقول نیست که

(۱) آیه ۳۵ تا ۳۸ ، باب ۹۲ ، انجیل مرقس صفحه ۱۱۰۳ طبع ۱۸۷۸ میلادی

که بفرمان جمعیت کتب مقدس برای خارجیان در بریتانیا تهیه شده است .

یکی درعین یکی بودن سه تا باشد و بالعکس، میگویند این مطلبی است که باید آنرا بدین ترتیب
و میل ندارند درباره آن زیاد بحث و گفتگو شود!

وقتی این منطق نامعقول را بامنطق نیرومند قرآن که باصراحت تمام مسیحیان را
مغایب ساخته و میگوید: «یا اهل الكتاب لا تغلوا فی دینکم ولا تقولوا علی الله
الا الحق انما المسيح عیسی بن مریم رسول الله و کلمته القاها الی مریم و روح منه
فانمو ابالله و رسله . ولا تقولوا لثله انتهوا خیر انکم انما الله اله واحد سبحانه
ان یتکون له ولد؛ له ما فی السموات و ما فی الارض و کفی بالله وکیلا. لن یتستکف
المسیح ان یتکون عبدا لله و لا الملائکة المقربون (۱)

: «ای اهل کتاب! در دین خود افراط و غلو نکنید و درباره خدا جز سخن حق مگویید؛

عیسی بن مریم تنها فرستاده خداست و بفرمان خدا در (رحم) مریم قرار داده شد و روحی
است از طرف خداوند، ایمان بخدا و فرستادگان او بیاورید، و نگویید خداوند سه است! از
این سخن خود داری کنید بِنفع شماست؛ خداوند یکی بیش نیست، منزّه است از اینکه
فرزندی داشته باشد؛ آنچه در زمین و آسمان است مال اوست، و او برای حل تمام مشکلات
کافی است. عیسی (خودش) هرگز از بندگی و عبودیت خدا استنکاف نداشت؛ و فرشتگان
مقرب او هم استنکاف ندارند.»

اینجاست که ارزش تعلیمات اسلام در زمین توحید و یگانگی خدا بخوشی آشکار میگردد.

دوگانه پرستی در ایران قدیم

این حقیقت را نیز باید اعتراف کرد (اگرچه برای ملت پرستان و کسانی که تعصب
خشک و افراطی ملیت حس قضاوت صحیح را از آنها سلب کرده گران است؛) که اسلام
بامنطق نیرومند توحیدی خود بزرگترین خدمت را بایرانیان نمود و آنها را از شرک و
وثنیت (دوگانه پرستی) نجات داد.

اگر این آئین پاک ظهور نیکرد باحتمال قوی هنوز سایه شوم شرک بر بالای
سرما بود. این حقیقتی است که هر ایرانی منصفی بآن اعتراف میکند و خدا را بر این نعمت
بزرگ شکر میگوید.

جالب توجه اینکه بعضی از همین ملت پرستان خشک و متعصب امروز برای تبرئه
نیاکان بزرگ ما و پرده انداختن بروی این حقیقت اصرار دارند که ثابت کنند در ایران
قدیم دوگانه پرستی وجود نداشته و همه موحد بوده اند؛ یعنی بعد از ارسال و بیشتر که

در کتب تاریخی همگی اعتراف بوجود مذهب ثنویت در ایران قدیم کرده اند ، این آقایان باین کشف جدید نائل شده اند که همه آنها دروغ بوده است .

تعصب و ملت پرستی آنها باین صورت زنده بداست از هر کس که باشد و یکی از نشانه های عقب ماندگی و جمود است ، حالا خواه دارنده این طرز فکر استاد دانشگاه تهران باشد یا یک فرد معمولی .

ما اگر علاقه باین آب و خاک داریم باید چشم باز کنیم و ببینیم که ایرانیان پس از اسلام آوردن و پاک کردن آثار شرك از صفت دل چه اندازه با پراطوری اسلام و پیشرفت علوم اسلامی کمک کردند . خلفای اسلامی از هوش و عقل ایرانیان استفاده میکردند و بکمک آنها میتوانستند بوضع حکومت خود سره سامان دهند قسمت عمده دانشمندان اسلام را ایرانیان تشکیل میدهند و ایرانیان بودند که در انواع علوم اسلامی کتابهای نفیسی نوشتند و باین آئین پاک خدمت کردند . این معنی علاقه صحیح بآب و خاک است نه آن طرز فکر افراطی و نادرست .

همسایه

یکی از همسایگان امام صادق (ع) تصمیم گرفت که خانه مسکونی خود را بفروشد و بهشتی گفت چهار هزار دینار اصل قیمت خانه و شش هزار دینار قیمت همسایگی امام صادق (ع) است حضرتش از جریان اطلاع حاصل کرده و پرا خواست و زعلت فروش استفسار فرمود عرض کرد یا بن رسول الله (ص) اگر محتاج نبودم بهیچ قیمتی دست از همسایگی شما برنمی داشتم و این انتخار را از خود سلب نمیکردم امام صادق (ع) ده هزار دینار بعنوان قیمت خانه بآئین دادند و سپس خانه را بوی بغشیدند و فرمودند همسایه ای را که قدر همسایه را بشناسد از دست نیدهم و امیدوارم که در بهشت نیز همسایه باشیم حضرت امیر المؤمنین (ع) فرمودند سل عن الرفیق قبل الطریق و عن الحجار قبل الدار یعنی پیش از راه بر رفیق راه توجه داشته باش که با چه شخصی در راه همراه هستی و پیش از خانه بهمسایه خانه متوجه باش که کیست؟